Journal of Socio-Political Developments in Contemporary Iran

http://doi.org/10.30510/pscci.2026.547721.1339

Majid Sadeghi Niarki[1]

Received: 17 February 2025

Reception: 8 April 2026

Abstract:

Writings on the causes of revolutions, which began in the 1950s and reached their peak in the 1970s, considered several axes in predicting and monitoring the causes of revolutions: including structural, economic, psychological, political, and finally combined causes. With the emergence of the Islamic Revolution of Iran, a new angle became important from the perspective of researchers in the field of revolution (in the fourth decade of theorizing), and that was the existence of cultural causes. Although it can be said that the social factor has been considered in some previous theories, such an understanding (the major and macro influence and influence of culture) has never been considered to the extent that it has forced researchers such as Scotch Paul and Cody to reconsider (even if to justify their views).We intend to prove, by presenting sufficient evidence and proof, the occurrence of the glorious revolution in Iran with the belief in cultural elements taken from the Shiite religion (belief system, value system, and symbol), and to state as a theory that the Islamic Revolution seeks spirituality in politics as a new and efficient reading of political rationality

[2]Graduated from the Institute of Humanities and Cultural Studies, PhD in Islamic Revolution and Civilization

فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران، سال پنجم ، ویژه نامه۱۴۰۵، صص ۱۷۴-۱۴۴

http://doi.org/10.30510/pscci.2026.547721.1339

نقش فرهنگ در تحقق انقلاب اسلامی ایران

مجید صادقی نیارکی[1]

تاریخ دریافت :۲۸ /۱۴۰۴/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۱۹

چکیده

نوشته های پیرامون علل انقلاب ها که از دهه پنجاه آغاز و تا دهه هفتاد میلادی به اوج خود رسیدند چندین محور را در پیشبینی و رصد علل وقوع انقلاب ها در نظر داشتند :از جمله: علل ساختارگرایانه، اقتصادی، روان شناسانه، سیاسی و در نهایت علل ترکیبی. با پیدایش انقلاب اسلامی ایران زاویه جدیدی از دریچه دید محققین عرصه انقلاب(در چهارمین دهه نظریه پردازی) مهم جلوه گر شد و آن وجود علل فرهنگی بود. گرچه می توان بیان داشت عامل اجتماعی در بعضی از نظریات گذشته مورد توجه بوده است اما چنین برداشتی(نفوذ و تاثیر عمده و کلان فرهنگ) هرگز مورد اندیشه نبوده است تا جایی که محققینی از جمله اسکاچ پل و کدی را به تجدید نظر (ولو برای توجیه دیدگاه هایشان) وا داشته است. ما برآنیم با بیان ادله و شواهد کافی حدوث انقلاب شکوهمند ایران را با اعتقاد بر عناصر فرهنگی اخذ شده از مذهب تشیع(نظام اعتقادی،نظام ارزشی و نماد) اثبات نماییم و به عنوان یک نظریه بیان نماییم انقلاب اسلامی به دنبال معنویت گرایی در سیاست به عنوان قرائتی جدید و کارآمد از عقلانیت سیاسی است

کلیدواژه:فرهنگ،سلسله پهلوی،فرهنگ سیاسی تشیع(نظام اعتقادی،نظام ارزشی و نماد)،امام‌خمینی(ره)،انقلاب اسلامی ایران

سیری در معنا و مفهوم فرهنگ

[1] فارغ التحصیل دکتری انقلاب و تمدن اسلامی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقدمه

تا کنون تصویر روشنی از فرهنگ که همگان بر آن اتفاق نظر داشته باشند عرضه نشده است. در این میان عوامل مختلفی سبب ابهام در شناسایی این مفهوم شده که عبارتند از: مشترک بودن این مفهوم باکاربرد عامیانه آن، ارایه کردن تعاریف مختلف در رشته های گوناگون علمی بر اساس مبانی مختلف انسان شناسانه، جزئی نگری مفهوم فرهنگ به عنوان یک کل و غیره می باشد که نتیجا سبب عدم تعادل و تناسب در تعریف این واژه شده است

فرهنگ در لغت نامه ها چنین معنا شده است: علم و دانش، ادب، تربیت، معرفت، آثار علمی و ادبی یک قوم یا یک ملت، نیکویی در پرورش، بزرگی، فضیلت، شکوهمندی، هنر، حکمت و عقل(عمید،ذیل فرهنگ؛نفیسی ذیل فرهنگ؛دهخدا،ذیل فرهنگ؛تویسرکانی،۱۳٦۲:۱/۲۳٦)

فرهنگ متشکل از دو جزء "فر" به معنی شکوه و عظمت و اگر به عنوان پیشوندی فرض نماییم به معنای جلو، بالا و پیش گفته می شود و "هنگ"ریشه اوستایی سنگ به معنی کشیدن، سنگینی و وقار است و در مجموع بیرون کشیدن دانش، معرفت و استعدادهای نهفته از درون انسان معنا دارد(محمود بختیاری، ۱۳٦۸:۱/۳٤)

اولین تعریف علمی در مورد فرهنگ را تایلور بیان کرده است :فرهنگ یا تمدن در معنای وسیع قوم نگاری اش عبارتند از کلیت در هم بافته ای شامل دانش، هنر، اخلاق، قانون و آداب و رسوم و هرگونه عادت یا قابلیتی که انسان به عنوان عضوی از جامعه کسب کرده است (آشوری،۱۳٦۵: ۳۲-۳۳) در این تعریف دو اشکال دیده می شود اول: یکی پنداشتن فرهنگ و تمدن و نداشتن دقت در عدم تجانس این دو واژه و دیگری، خاستگاه فرهنگ را تنها ذهن بشر و جامعه بشری دانستن است که نوعی تعصب پیشگی است

مونتی پالمر، فرهنگ را شامل ارزش ها، هنجارها و نظام اعتقادات یک جامعه مشتمل بر سنت ها، آداب و رسوم و مذاهب، ایدئولوژی و تشریفات مذهبی، میراث و زبان و کلیه عادت ها می داند (مونتی پالمر،۱۳۷۲: ۹۹)

هورتن و هانت، فرهنگ را مجموعه ای از قوانین و ارزش ها که توسط مردم تجربه و یا آموخته شده و برای پاسخگویی به نیازهایشان بکار می برند و از آن حمایت می کنند می دانند(Horton&Hunt 1986: 52)

شفر: مجموعه ای از رفتارها اعم از عقاید، ارزش ها و آداب و رسوم را که به وسیله اجتماع آموخته می شود و قابل انتقال است ، فرهنگ گوید(Schaefer 1983: 56)

اگر دقت کنیم به جای تعریف فرهنگ اجزا و عناصر آن را بازگو کرده اند

فرهنگ از دیدگاه علوم مختلف

تعاریف متعددی که در مورد فرهنگ وجود دارد هیچ کدام نتوانسته اند به صورت جامع و مانع حیطه آن را مشخص نمایند به عبارتی کاملا جزئی نگری است.مثلا در تعاریف تشریحی، به بررسی اجزای آن(فرهنگ) می پردازند. در تعاریف تاریخی تکیه بر میراث اجتماعی و سنت دارند. در تعاریف هنجاری تکیه بر قواعد بر اساس آرمان ها و ارزش ها دارند. در تعاریف روان شناختی،فرهنگ را وسیله ای برای حل و فصل و سازگاری دانسته اند که به وسیله آموزش، ارتقای انسان را سبب می شود. در تعاریف ساختاری، فرهنگ را سازمان یا الگویی از طرح های آشنا و غیر آشنا برگرفته از تاریخ دانسته اند که به وسیله مشارکت افراد پدید می آید.در تعاریف تکوینی، فرهنگ را ساخته شده از روابط افراد بر اساس معیارهای مشترک، تصورات و نمادها می دانند

عناصر فرهنگ

به عبارت ساده فرهنگ را می توان الگوی مشترک فکری و رفتاری تلقی کرد که دارای چنین عناصری است:

۱- باورها:به نگرش انسان به جهان و هستی شکل می دهد و مشروعیت دهنده ارزش ها است

۲- ارزش ها: به محیط انسان معنا بخشیده، و به کنش او جهت می دهد و اهداف و وسایل نیل به آن را برای وی ترسیم می کند و مشروعیت بخش هنجارهاست.

۳- هنجارها: برآمده از ارزش ها است که نحوه عمل و قاعده را در زندگی اجتماعی برای انسان تعیین می کند و مشتمل بر حقوق و وظایف است

٤-نمادها: امکان ذخیره و تبادل دانش و تجربه را برای انسان فراهم می سازد

۵-فن آوری:به عنوان ابزاری که مهارت و دانش استفاده از آن را در اختیار انسان قرار می دهد

محتوای فرهنگ

به نظر برستد فرهنگ دارای سه جزء است

اول: به وسیله آن تفکر می کنیم(عقاید) مانند حقایق علمی، دینی، افسانه، خرافه، ضرب المثل، ادبیات.

دوم: به وسیله آن اقدام به عملی می نماییم(هنجار) مانند قوانین و مقررات دینی ، اجتماعی و اخلاقی، آداب و رسوم.

سوم: اشیایی که به عنوان عضوی از جامعه تحت اختیار داریم(تملک)

برستد پیوند دهنده عقاید و هنجارها را ایدئولوژی می داند. با این وصف می توان گفت ایدئولوژی عقیده ای است که به وسیله هنجارحمایت می شود به عبارت دیگر هنجاری را پذیرفتن و از آن تبعیت کردن است(عقایدی را که در قبولاندن آن اصرار داریم)پس می توان گفت ایدئولوژی جزئی مهم در فرهنگ است

برستد در تفسیری مادی گرایانه تکنولوژی را مهمترین جزء ساختار یک فرهنگ دانسته است او معتقد است که جوامع را می توان بر حسب استفاده از تکنولوژی با یکدیگر قیاس کرد(Bristedt1970: 208-216)

روح الامینی در نوعی دیگر از تقسیم بندی، فرهنگ را مادی و غیرمادی دانسته. او شق غیر مادی را عامل پدید آمدن هویت فرهنگی می داند وی معتقد است رو به ضعف رفتن هویت فرهنگی ضایعه ای بزرگ برای جامعه است(روح الامینی،۱۳٦٥: ٢٤)

ویژگی های فرهنگ

فرهنگ:اکتسابی؛ محصول عناصر زیستی، محیطی، روان شناختی و تاریخی است، دارای سازمان و ابعاد مختلفی است که می توان آن را تحلیل کرد؛ پویا و تغییر پذیراست که سبب هویت شخص می گردد(Coser & Rosenbery۱۹۵۷: ۵۰)

کلاکهن معتقد است:فرهنگ مجموعه نظامی است که عناصر آن در عین ارتباط مستحکم با هم دارای استقلال هستند؛ سبب هدایت و رهبری اعمال انسان می شود؛ ارایه دهنده یک تبیین مشترک بین اعضا است؛ به وسیله مردم به وجود آمده و در نسل ها منتقل می شود(میراث اجتماعی)، فرهنگ یک طریقه اندیشیدن، احساس کردن و اعتقاد داشتن است(عامل سامانمندی زندگی اجتماعی)؛دارای علایم آشکار و پنهانی است؛ فرهنگ تجرید است یعنی نمی توان فهم همه توده های جامعه را تنها با آن (فرهنگ خاص) شناخت؛ فرهنگ رشد پذیر است؛ مانند نقشه جغرافیا سبب دوری از گمراهی می شود(کلاکهن ، ۱۳۵۰ :۳۳-۵۷)

کارکردهای فرهنگ

کارکردهای فرهنگ می تواند تامین نیازهای اولیه و ثانویه انسان، امنیت بخشی به زندگی و تداوم آن، تضمین بقا و تداوم تاریخی جامعه، ایجاد ارتباط جمعی، ایجاد احساس تعلق جمعی و تکوین هویت اجتماعی، ایجاد و حفظ همبستگی اجتماعی باشد.

برداشت آخر از فرهنگ

در مجموع می توان گفت از دیر باز فرهنگ دارای دامنه وسیعی در این سرزمین بوده که می توان آن را مجموعه ای از فضایل ، هنرها ، آداب ، دانش ها ،معارف ، کلیه نیروهای اخلاقی و روحی که بشر را از حالت بدوی خارج و به سوی کمال معنوی هدایت می کنددانست(ثقفی،مجله فرهنگ و زندگی،۱۳٤۸: ۲۵)

تا پیش از قرن هیجدهم نیز، این معانی در مورد فرهنگ(اوج تعالی) در اروپا مصداق داشته است،اما کم کم بر اثر افراط گرایی علم محوری،ابتدا دین؛ به عنوان یکی از عناصر جزیی فرهنگ شناخته و سپس این کج اندیشی تا جایی پیش می رود که به حذف دین و فراتر از آن مخرب دانستن آن می انجامد (روح الامینی،۱۳٦۸: ۸۳)و تنها جنبه ی پرورش تن و روان که جایگزین این اوج تعالی شده است مورد قبول قرار می گیرد(بختیاری،۱۳٦۸ :۳۷/۱)

در مقابل این اندیشه اروپای عصر جدید شخصی به نام الیوت وجود دارد که جدایی مذهب از فرهنگ را عامل از هم پاشیدگی آن(فرهنگ) دانسته و در جمله زیبایی فرهنگ یک ملت را به مثابه تجسد مذهب آن ملت معرفی نموده است (الیوت،۱۳٦۹: ۳۱-۳۵)

نتیجتا دین به دلایلی چون پاسخ به چرایی های هستی شناسانه، پیوند و اتحاد برقرار کردن بین آداب و رسوم و اعتقادات جامعه، داشتن تصویر کاملا روشن از رابطه بین انسان و محیط و دادن راهنمایی های مناسب و بسیاری از علل دیگر (vivel1978: 187)می تواند یکی از حاصل خیز ترین سرزمین ها برای گسترش فرهنگ یا به عبارتی سازنده فرهنگ باشد

عناصر پایداری فرهنگ ایرانی(روح ملت)

این روح به صورتی است که جوهره خویش را عوض نمی کند(نظریه فلسفی ذات) (فولادی،۱۳۸٦: ۱۰۰) اما در هر بخشی از تاریخ به گونه ای خاص تجلی می کند (ذاکر اصفهانی،۱۳۸۱: ۱٤۱،) که نشان از وجود تنوع فرهنگی در این روح پایدار است(کچوئیان،۱۳۸٤: ٦٦) و از آن به روح ملی و فرهنگ سیاسی تعبیر شده است

به گفته کدی ایران معاصر به دلیل خصیصه قدمت و پایداری فرهنگ و میل به حفظ اصالت خویش در مواجهه با مدرنیته دچار انقلاب گردیده است(کدی،۱۳۷۸: ۲۲۵) این عناصر عبارتند از:

۱- دین: مهمترین عنصر فرهنگ ایرانی که مبنای توحیدی دارد دین است. می توان از آیین زرتشت به عنوان اولین دین مقبول جامعه ایرانی یاد کرد(گیمن،۱۳۸۱: ۳٤).با ظهور

اسلام؛و فتح ایران توسط سپاه مسلمین، دین مبین اسلام (همان سال های نخستین اکثر قریب به اتفاق مناطق مسلمان شدند)در این سرزمین به رسمیت پذیرفته شد(اکثریت سنی). تا آن که در عصر صفویان به دلایل متعددی، از جمله بد رفتاری حکومتهای سنی مذهب ، تلاش های مستمر صوفیان و عملکرد مثبت حکام محلی شیعی، مذهب تشیع به عنوان دین رسمی از سوی مردم پذیرفته شد

۲- مفهوم ایران: این مفهوم خود به دو قسم تقسیم می شود :

به عنوان یک "فکر" ؛که دارای بار فرهنگی‌ای با دیرینه ی سه هزارساله است، که با آمدن اسلام استحکامش گسسته نگشت تا جایی که در عصر صفوی با بازسازی فرهنگی برگرفته از تشیع، توانست اقتدار سیاسی و مذهبی خود را احیا گردلند (کربن و دیگران:۱۳۸۸: ۲۷)

و دیگری به عنوان "قلمرو سیاسی اجتماعی" است که در دوران های مختلف دارای فراز و فرود بوده است.باید این نکته را مد نظر داشت که هسته اصلی این قلمرو از سه هزار سال پیش تا به حال به شکل امروزی باقی مانده است (اسلامی ندوشن،۱۳۷۰: ۱۸)

۳- حکیم حاکم: این عنصراز سه هزار سال پیش در ایران؛ به دلیل وجود اقوام و طوایف مختلف و علاقه مندی به زندگی شهرنشینی(مدنیت)مورد توجه بوده است.نمونه آغازین آن مادها بودند که به رهبرشان(دیائوکو که دارای آوازه عقل و تدبیر بود) لقب شاه دادند.(مشکور،۱۳٤۷: ۱) در اصل چنین لقبی برای شخصی که دارای عدالت، مهارت، شجاعت ، امانت داری و مردم داری بود اطلاق می شد (رجایی،۱۳۸۲: ۸۵) با فتح ایران توسط سپاه اسلام این روند ادامه داشت به طوری که در دوران صفوی نوعی ادغام و وحدت بین دین و سیاست پدید آمد تا جایی که شاه به عنوان مرشد کامل، فر ایزدی و ظل الله مورد توجه قرار داشت(نجفی،۱۳۹۱: ٦٤) اما به تدریج به علت عدم تقوا در استفاده از قدرت، شاهان میل به استبداد پیدا کردند که این امر با فلسفه پیدایش این مسند به کلی مغایر بود (کاتوزیان،۱۳۷۹: ۱۰۱)تا آن جا که به وسیله امام خمینی(ره)این عنوان به جعل برده شده منقرض و مسند ولایت مطلقه فقیه جایگزین گردید

لازم است نگاهی اجمالی به سیر دوران عالمان تشیع که نظر بر جانشینی پیامبر (ص) و ائمه اطهار(ع) داشتند اشاره ای داشته باشیم: این روند در چندین مرحله قابل دسته بندی است : دوره اول جوامع حدیثی است تا زمان شیخ طوسی یعنی تا سال ٤٦۰ق، فقهای شیعه در این دوره هیچ نقشی در شکل گیری حکومت نداشته اند.و در ادامه فاصله شیخ طوسی تا قطب راوندی دوره فترت است (به استثنای ابن ادریس).دوره دوم: از قطب راوندی یا فاضل مقداد تا علامه حلی، دوره حضور علما در عرصه سیاست است.(دوره نظریه پردازی).دوره سوم که بعد از سربداران است، دوره عملگرایی فقهای شیعه است.یعنی یک عالم؛ شیخ الاسلام می شود.این امر تقریبا در دوره هایی از سربداران،

مرعشیان و صفویان دیده می شود که اوج آن در صفویه (با محقق کرکی)است.یعنی در پنجاه سال حکومت شاه طهماسب، هرکه هست و نیست، محقق کرکی است. اوست که برای اولین بار نظریه عام ولایت فقیه را مطرح می‌کند

٤- تنوع، تساهل و پیوستگی فرهنگی: دلیل تنوع فرهنگی در ایران به دو علت باز می گردد یکی به وسعت این سرزمین و به تبع آن دارا بودن اقوام و سنت های مختلف و دیگری موقعیت استراتژیکی ایران، چه به دلیل مورد طمع واقع شدن به منظور کشورگشایی و چه از حیث اقتصادی.می توان گفت یکی از مزیت های این سرزمین که نشان از غنای آن دارد هضم کردن فرهنگ های وارده و وام گرفتن از خصیصه های مثبته ی آنان است که نمونه آن زندگی کردن اقوام و مذاهب مختلف در کنار هم است (زهیری،۱۳۷۹: ۱۹۱؛کربن و دیگران،۱۳۸۱: ۲۱-۳۰).

متعالی ترین قسم از فرهنگ ایرانی را می باید پیوستگی که نتیجه تلقی مشترک؛ از دین توحیدی و مفهوم ایران است دانست (توکل،۱۳۷۰: ۱۳)

باید اشاره کرد تمام این مولفه ها در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد

سیری تحلیلی در تاریخ فرهنگ معاصر ایران

منورالفکری در ایران، کار خود را با تاسیس فراموشخلنه و لژ فراماسونری(پیش از مشروطیت) با سرگردگی افرادی چون میرزا ملکم‌خان، آخوندزاده، میرزا آقاخان‌کرمانی و تقی‌زاده آغاز کرد. آنان نوکران قلم به مزدی بودند که با شعارهای تجددگرایی و مبانی لیبرال دموکراسی در اندیشه ی زدودن عمق نفوذ مذهب(با شیوه های عدیده برای اجرای مبانی افکار استعمارگران غربی) در بین مردم بودند.در این راه علمایی چون شیخ فضل الله نوری(مشروطه خواه مشروعه)،آخوند خراسانی،عبدالله مازندرانی، محمد حسن نایینی،حاج آقا نوراله اصفهانی ،عبدالحسین لاری،سید حسن مدرس(مشروطه خواه) و بهبهانی و طباطبایی (مشروطه خواهان میلنه رو) مجاهدت های غیورمندلنه ای را برای ناکامی این به اصطلاح منورالفکرها انجام دادند

پس از آغاز کج رفتاری های منورالفکر نماها در عصر مشروطه (در تدوین قانون اساسی و متمم آن،به انحراف کشیده شدن مطبوعات، برخورد و ترور چهره های انقلابی و علما و... همگی نتیجه مخربی را در بر داشت و آن به خطر افتادن وحدت فرهنگی جامعه بود که با واکنش علما و مردم روبرو گردید) قلم به مزدان منورنما دریافتند که برای پیشبرد بهتر ، بیشتر و سریع تر امور، باید با قدرت قلدر مسلکانه رضا خان همکاری نمایند.

رضا خان پس از اجرای نقش های فریبنده (تا زمان استقرار و استحکام سلطنتش)، با همکاری و برنامه ریزی افرادی چون تقی زاده، محمد علی فروغی، علی اکبر داور

(دادگستری)، عیسی صدیق، صدر الاشرف، علی اصغر حکمت (وزیر معارف)، تیمورتاش(وزیر دربار)، نصرت الدوله (مالیه)، اردشیر جی(عامل انگلیسی ها)، کسروی،حکمی زاده و شریعت سنگلجی راه ناتمام منورالفکرنماها را با سیاستی که می توان از آن با عنوان مبانی ساختاری یا ایدئولوژیکی و یا ماهیتی حکومت پهلوی نام برد ادامه داد، این شاخص ها عبارت بودند از: سکولاریزم در تمام زمینه ها، تجدد سطحی و مبتذل(غرب گرایی)، ناسیونالیزم باستان گرایی(ایرانی گرایی)و دیکتاتوری و استبداد با محوریت شاه‌محوری و تلاش برای خلق وجهۀ کاریزماتیک برای شاه پهلوی(دیکتاتوری).

از برآیند دوران پنجاه و سه ساله سلطنت پهلوی می توان چنین برداشت نمود که همه این مولفه هابه صورت بنیادین در صدد تغییر ماهیت فرهنگی جامعه در تلاش بودند

مجموعه رویدادها و اقدامات دوران پهلوی برای اجرای مبانی ساختاری و تشکیلاتی عبارت بود از:

۱. غرب گرایی

۱-۱. تغییر و تحولات قضایی

این نظام جدید قضایی که به قول داور،وزیر عدلیه، دنیاپسند بود.(کسروی،۱۳۵۵: ۲۵٦)ابتدا با تدوین قوانین ترکیبی و چند بعدی (از اسلام و قوانین رایج در کشور های اروپایی) شروع و پس از تصویب قانون ازدواج و طلاق از قوانین روح بخش اسلام بسیار فاصله گرفت.می توان سر منشا و علت این تغییرات را : تضعیف قدرت روحانیون در امر قضا و محدود کردن صلاحیت محاکم شرع(متین دفتری،۱۳۷۰ : ٦٥ ؛ صدر،۱۳٦٤: ۲۸۸)، جلب نظر دولت های خارجی و کسب وجهه برای رضا شاه (بصیرت منش،۱۳۸۵: ۵۳) دانست

۱-۲.آموزش و پرورش

در مدارس بین دانش‌آموزان، مناظراتی در خصوص مباحث تمدنی انجام و با روشی سنجیده، برتری تمدن غرب به دانش‌آموزان القا می‌شد (آشنا،۱۳۸٤: ۹۱). در بررسی این عامل به چند شاخصه اشاره می کنیم:

۱-۲-۱.مدارس مختلط

از نمونه های این بخش می توان از اختلاط دانش آموزان دختر و پسر در دبستان ها یاد کرد که علی رغم زمینه چینی های متعدد، برای فراگیری در تمام مقاطع تحصیلی؛ دردوره دبیرستان محقق نگشت.از اقدام دیگر رژیم پهلوی می توان به ممنوعیت ورود آموزگاران

و دختران دانش آموز با حجاب پس از ۱۳۱۳ش اشاره کرد (صدیق،۱۳٤٥: ۳٦۹؛نفیسی، ۱۳٤٥: ۱٤۹و ۱٥۰)

۲-۲-۱.مدارس خصوصی بیگانه

مدارس بهاییان، زرتشتی ها، مسیونهای مسیحی، پیشتاز تغییر و غربی کردن فرهنگ متعلمین بودند. پس از وقوع جنگ جهانی اول و افشای نیت جاسوس منشانه آنها (در سطح عموم)این مدارس تعطیل شدند(متین دفتری،۱۳۷۰: ۱۷۰)

1-2-3.اعزام محصلین به خارج

روند اعزام محصلین از زمان ولیعهدی عباس میرزا آغاز گردید. این محصلین از جمله افراد معتقد به اندیشه مترقی بودند که(به دلایلی چون آموختن علوم فنی و علوم پایه به صورت ناقص، آموختن ظاهری تمدن غرب، عدم آشنایی به تمدن ایران و جمود در تفکر) هرگز اهداف سیاست گذاران را برآورده نکردند(نجفی:۱۳۹۱: ٤۱۰-٤۱۱)در دوران پهلوی نیز سیاست گذاران به جای افزایش سطح آگاهی عمومی؛ اصرار در انجام امور به اصطلاح بزرگ و دهان پر کن داشتند تا جایی که می توان گفت در اعزام این افراد چندان موفقیت و نتیجه ای (جز حصول فرهنگ غرب به جای تمدن غرب) حاصل نیامد(کاتوزیان،۱۳۷۹: ۱٦۰و ۱٦۱)

1-2-4.سازمان پیشاهنگی و تربیت بدنی

این دو سازمان در اقدام رژیم در علنی کردن کشف حجاب نقش مهم و موثری داشتند (صدیق،۱۳٤٥: ۳۰٦)

1-2-5.دانشسراهای عالی و مقدماتی و دانشگاه تهران

به منظور تامین معلم خانم و آقا برای دبیرستان ها دانشسرای مقدماتی(نفیسی۱۳٤٥: ۱٤۸)و بعدها از هسته اصلی دانشسرای عالی (با مطالعه دانشگاه های اروپایی) دانشگاه تهران ایجاد شد(متین دفتری،۱۳۷۰: ٦٦و ۸۰)با نگاه تیزبینانه به نظر می رسد این روند چندان در جهت خدمت به کشور نبوده است(سولیوان،۱۳۷۳: ۱۰۷) بلکه می توان این امر را تکمیل حلقه مفقوده در اقدامات تجددگرایانه دانست که نمونه هایی از آن عبارت بودند از: ممنوعیت حجاب در بسیاری از دانشگاه ها(حسینیان، ۱۳۸۳: ۸۷۷)، ترجمه و تدریس آثار دکارت که نوعی شک و دودلی را پدید می آورد (پیدایش این عقیده با مبانی ما سازگار نیست)، دور کردن و زدایش احکام فقه در تاسیس دانشکده حقوق، جلوگیری از نفوذ حوزه های علمیه سنتی و پرورش افراد بنا بر سیاست دین زدایی حکومت در تاسیس مدرسه معقول و منقول، عدم انتقال کامل دانش فنی به وسیله غرب در دایر کردن رشته های فنی در دانشگاه و درخلال اعزام دانشجو به خارج از کشور،

رونق در فروش داروها و لوازم پزشـــکی دول اروپایی در تاســـیس دانشـــکده طب و داروسازی. اشاره کرد

6-2-1.سازمان پرورش افکار

مهمترین ارکان تبلیغی – تربیتی زمان رضـا شـاه برای ترویج اندیشـه تجدد گرایی و شـاه دوستی به شمار می آمد؛ با هدف آن که مقدمه ای شود برای تشکیل حزب سیاسی مانند حزب خلق ترکیه. در این راه از تمامی دستگاه های بخش آموزشی(چه تغییرات در کتب درسی و چه تعلیم آموزگاران و اساتید در قالب برگزاری جلسات سخنرانی) و تبلیغاتی (روزنامه و مجلات) برای پیشـــبرد امور اســـتفاده می شـــد و هدف آنان کم رنگ کردن معنویت دینی و اشاعه رزتشتی گری و ترویج کشف حجاب بود که به دلایلی چون عدم ســـنخیت خواســـت گردانندگان و اعتقاد مردم، تنزل ســـطح ســـخنرانی ها (با آغاز جنگ جهانی اول و فرار رضـا شـاه در شـهریور۱۳۲۰ش) ملغی گردید(صـفایی،۱۳۵٦: ۹٦؛متین دفتری، ۱۳۷۰: ١٦٤)

۳-۱.سیاست مذهبی:

رضا خان پس از پایان سیاست های مزورانه اش در برخورد با امور مذهبی(اجرای حدود الهی در پادگان ها، برگزاری و شـرکت در مراسـم مذهبی، برقراری رابطه دوسـتانه با علما به خصوص علمای عتبات)(مستوفی،۱۳٤۳: ٤۹۲/۳-٤۹٦؛ مدرسی،۱۳٦٦: ۲۳۰/۱) کوشید با استقرار و کسب قدرت لازم، خواسته های اربابان استعماری خود(یعنی مبارزه جدی و سختگیرانه با مذهب و تمامی شئون مربوط به آن)را تحقق بخشد

۱-۳-۱.برخورد با چهره های شاخص روحانیت:

از این میان می توان از برخورد خشونت آمیز با آیاتی چون: سید حسن مدرس (ایشان از زمان اعلام جمهوریت تا رسیدن به سلطنت با رضا شاه به مبارزه پرداخت. شاه با اقداماتی نظیر برنامه ریزی ترور،تبعید و نهایتا به شـهادت رسـانیدن ایشـان، وی را برای همیشـه جاویدان کرد)، آیه الله حائری(موسـس حوزه علمیه قم، اعتراض به شـاه به دلیل دسـتور کشف حجاب وکشتار مسجد گوهر شاد)، شیخ محمد بافقی(اعتراض به حضور همسر و دختران رضـا شـاه به دلیل پوشـش نامناسـب در حرم حضـرت معصـومه)، آقا نورالله نجفی اصـفهانی(روند مخالفت با رضـا شـاه از قضـیه قانون نظام اجباری آغاز و با مشـورت های پی در پی با مرحوم مدرس جنبه عام تر یافت تا جایی که آغاز اعتراضـــی بزرگ در قم گردید)، آیه الله میرزا صـادق آقا تبریزی(مخالفت با شـاه در پشـتیبانی از قیام آقا نورالله و اقدامات شـیخ محمد بافقی)، آیه الله میرزا ابوالحسـن انگجی(عامل قیام مردم تبریز)، شـیخ ابوالحسـن سـرکوهی و علمای فارس(قیام بزرگ عشـایری ایل قشـقائی و بختیاری)،آیه الله بلادی بوشـــهری(تالیف کتب متعدد)،آیه الله قمی(مهاجرت به تهران و عامل اصـــلی قیام

گوهرشـاد)(بصـیرت منش،۱۳۸۵: ۲۰۱-٤۹۰) اشـاره کرد. باید گفت این روند با تاسـیس ساواک در دولت پهلوی دوم ادامه یافت

۲-۳-۱.جلوگیری از شعائر مذهبی به بهانه مبارزه با خرافات

تجددگرایان اکثر آداب و رسـوم مذهبی را دچار خرافات می دانسـتند و به این بهانه،(به جای اصـلاح)در صـدد زدودن آنها بر آمدند (اگرچه این عقاید آثار مثبتی را نیز در بر داشـت) مانند قربانی کردن،تعزیه و ...(صـفایی،۱۳٥٦: ۱۱۳-۱۱٦) حتی آنان برای بازیچه قراردادن دین مردم، در اعلام زمان موعد شـرعی سـحر و مغرب (در شـلیک توپ) کار شکنی می کردند.(مستوفی،۱۳٤۳: ۲۷۲/۳)

۳-۳-۱.محدودیت در مراسم مذهبی

ممنوعیت برگزاری و زنده نگاه داشتن یاد ائمه اطهار، برگزاری نماز جماعت و محدودیت در برگزاری مراسم ترحیم از زمان کشف حجاب به اجرا در آمد(خشونت و فرهنگ۱۳۷۱: ۱۳؛ادیب هروی،۱۳۲٦: ۲۹٤) اگرچه با روی کار آمدن محمد رضا پهلوی، به دلایل خاص زمانی چون اشـغال ایران توسـط متفقین و عدم تسـلط شـاه جوان بر امور حکومت این محدودیت ها لغو گردید اما روح کلی در مبارزه با مذهب از همان ابتدا تا پایان اقتدار او وجود داشت

٤-۳-۱.تخریب مدارس علمی و مساجد

به دلیل سیاست‌های ضدمذهبی، مساجد متروک و مدارس علمیه تبدیل به مدارس مدرن یا مراکز فحشای جوانان گردیده بود

۵-۳-۱.ترویج منکرات

می توان از فروش علنی مشـروبات، درج مطالب برخلاف دیانت در مجلات،کتب و روزنامه ها، برگزاری مراسـم و نمایش فیلم های مبتذل، و عدم برخورد با فواحش، یاد کرد(هاکس،۱۳٦۸: ۲۱۲-۲۲۰) نمونه ای از این مراسم جشـن هنر شـیراز بود که از سـال ۱۳٤٦ش با صـرف هزینه های گزاف انجام می پذیرفت. مهم ترین برنامه و هدف این مراسـم نمایش ابتذال و بی بندو باری بود تا جایی که با اعتراض امام خمینی(ره) و اعتصاب علمای شیراز در سال ۱۳۵۷ش تعطیل شد(حسینیان،۱۳۸۳: ٤۲۳-٤۲۵).

٦-۳-۱. بهای بیش از حد به اقلیت های مذهبی

توجه خاص و علنی رضا شاه به زرتشتی گری را می توان نتیجه سیاست دوری از اسلام عزیز، با بهانه توجه به دوران باستان دانست.از جمله اقدامات رضا شاه در این باره می توان از: انتخاب نام فامیل پهلوی، ایجاد مدارس پارسیان هند، فروش زمین های قصر فیروزه با مبلغی پایین به زرتشتیان،برگزاری جشن هزاره فردوسی، نام برد (اشیدری،۱۳۵۵: ٤و٥؛صفایی،۱۳٥٦: ۳۱۹-۳۲۰).

در زمان پهلوی دوم یهودیان از جایگاه ویژه ای بر خوردار بودند تا جایی که می توان گفت نبض اقتصاد کشور در دست آنان بود. به تبع این سیاست و اهداف استعمارگرایانه روابط با رژیم اشغالگر قدس نیزدر سطحی مطلوب قرار داشت.(سولیوان،۱۳٦۱: ٤۳). در این جا باید از نفوذ فرقه ضاله بهاییت، علاوه بر داشتن رانت ویژه در کسب و تجارت، به نفوذ در سطوح عالی مدیریتی (حتی نخست وزیر) نیز اشاره کرد(نجفی،۱۳۹۱: ٦۰۳)

۷-۳-۱.امور اوقاف

امور وقفی مهمترین رکن از درآمد نهاد مذهب از دیر باز بوده است.به همین دلیل، حکومت ها به سبب کنترل جریانات مذهبی؛ درصدد به دست گیری آن بودند.این روند نفوذ،اولین بار در دوران مشروطه،(به بهلنه نظارت بر چگونگی هزینه کرد و اداره امور وقفی) با تاسیس اداره اوقاف شکل گرفت.(لمتون،۱۳٤٥: ٤۱۳)

رضا شاه به منظور تحت فشار قرار دادن روحانیت، ابتدا به هزینه کرد اموال حاصله از امور اوقاف مجهول الهویه برای تاسیس و آبادانی مدارس غیر دینی اقدام کرد (استفتا از آیه الله حایری) (فرخ،۱۳٤۷: ۲۹۰-۲۹۱) و در اواخر دوران سلطنت خویش (نخست وزیری حسنعلی منصور) در اقدامی خلاف شرع، به تصویب قانونی به بهانه تبدیل به احسن موقوفات اقدام کرد .این قانون فروش املاک زراعی و قنوات وقفی را مجاز شمرد(متین دفتری، ۱۳۷۰: ۱۰٤)

۸-۳-۱.متحد الشکل نمودن لباس ها

در ایران از عهد بسیار قدیم، سه نوع لباس سنتی در کشور موجود بوده؛ لباس‌های محلی مردان، زنان و لباس رسمی روحانیت. (آشنا، ۱۳۸٤: ۹۳). باید گفت این روند در زمان مشروطیت با تغییرات جدی روبرو گشت.

استفاده از کلاه و کت‌و شلوار از زمان مشروطه آغاز شد اما پس از روی کار آمدن دستگاه پلیسی پهلوی، این روند (عمومیت یافتن کت و شلوار و کلاه پهلوی)با شتاب بیشتری انجام پذیرفت،ابتدا برای کارمندان و محصلین، و سپس با وضع قانونی فراگیر در سال ۱۳۰۷ش(با عللی از جمله: ایجاد وحدت ملی، شبیه شدن به ظواهر غربی و قدم نهادن در

مسیر پیشرفت و تمدن و در نهایت شناسایی علما نماها"تنها علمای دارای مجوز اجازه پوشیدن لباس روحانیت را داشتند" پیگیری شد)به اجرا در آمد. (صفایی،۱۳۵٦: ۳۷-۳۸؛صدر،۱۳٦٤: ۲۹۲ بصیرت منش،۱۳۸۵: ۱۷۱)

پس از سفر رضا شاه به ترکیه، شاه دستور تعویض کلاه پهلوی به کلاه تمام لبه(لگنی) را صادر کرد.(صفایی،۱۳۵٦: ۳٤٦)باید گفت این اقدام رژیم با واکنش های جدی از سوی عشایر، با اهداف ملی و مذهبی مواجه شد

۹-۳-۱.کشف حجاب

وقایع بسیاری برای اجرای این نقشه به وسیله رژیم، پیش بینی شده بود که به تدریج در حال اجرا بود: مسافرت همسر و دختران رضا شاه در نوروز ۱۳۰۷ش به قم بر خلاف پوشش رایج (مجله یاد،ش۱٤۹/۱۷)، سفر امان الله خان حاکم افغانستان به همراه خانواده در خردادماه ۱۳۰۷ش که بدون پوشش اسلامی انجام پذیرفت (سردار اسعد،۱۳۷۲: ۲۱۸)، سرکوبی قیام علمای تراز اول مانند آیات عظام نجفی،مدرس و بافقی(بصیرت منش،۱۳۸۵: ۱۸٦) و ...، سرکوبی عشایر ۱۳۰۸ش(الول ساتن، ۱۳۳۵: ۳۷٦)، سفر رضا شاه به ترکیه در ۱۳۱۳ش و الگوبرداری رضاشاه از آتاتورک(هدلیت:۱۳۲۹: ۵۱٦)، ممنوعیت چادر و استفاده از روپوش ارمک در مدارس دخترلنه در ۱۳۱۳ش،تبلیغ علیه چادر در روزنامه ها و جراید(صدیق،۳۰٦/۲)، راهپیمایی سی نفر از بانوان بدون حجاب در خیابان به سال ۱۳۱٤ش، مراسم سرود خوانی به وسیله دختران بدون پوشش در شیراز در فروردین ۱۳۱٤ش، تاسیس کانون بانوان در ۱۳۱٤ش(بصیرت منش،۱۳۸۵: ۱۹۱)، ترغیب شرکت مسئولین به همراه خانواده هایشان در مجالس شبانه(الول ساتن، ۱۳۳۵: ۳۷۷)، دستور به ترغیب و استفاده از زور در استان ها(صدر،۱۳٦٤: ۳۰٦-۳۰۷)، وقوع کشتار مسجدگوهر شاد به سال۱۳۱٤ش، حمایت پلیس از زنان بدون پوشش، ابلاغ غیر قانونی بودن حجاب درهفدهم دی ۱۳۱٤ش، دستور تعرض، تعقیب، فحاشی و چادر از سر کشیدن زنان دارای پوشش در معابر و تفتیش منازل، انتصاب علی اصغر حکمت در تیر ماه ۱۳۱۳ش به وزارت معارف به عنوان مجری کشف حجاب(بصیرت منش،۱۳۸۵: ۱۹۸-۱۹۳).

در دوره پهلوی دوم، این سیاست با شدت عمل بیشتری در قالب شیوه‌های دموکراتیک، ادامه یافت. از این رو با تبلیغات در مطبوعات و جشنواره های هنری، قصد پیشبری این سیاست را در سرلوحه کار خود قرار داده بودند

رژیم پهلوی در حجاب‌زدایی تا بدان جا پیش رفت که در سال ۱۳۵۵ش،«شورای هماهنگی امور اجتماعی» طرحی را به تصویب رساند که ورود زنان چادری(دانش‌آموزان، دانشجویان، کارمندان و افراد عادی) به وزارتخانه‌ها، سازمان‌های دولتی، اتوبوس‌های شرکت واحد، سینماها، فروشگاه‌های تعاونی شهر و روستا، کتابخانه‌ها، مجامع‌عمومی

ممنوع اعلام گردید، همچنین طی بندی آنها از مسافرت با هواپیما و استفاده از خدمات سازمان اجتماعی محروم شدند. (نصری، ۱۳۷۸: ٢٤٦)

از دیگر اقدامات رژیم در سیاست ضد مذهبی،می توان به حمایت از دگراندیشان مذهبی و جریان انحرافی مانند شریعت سنگلجی و احمد کسروی، برپایی کارناوال های شادی و حذف ساعات شرعی از تقویم رسمی اشاره کرد (نجفی:۱۳۹۱: ٤١٤)

٤-۱. مطبوعات و کتاب

در دوران رضا شاه جامعه مذهبی ایران، شاهد انتشار مجلات و روزنامه هایی با عناوینی چون ضد دینی، اصلاح طلبی در دین، و مطالب توده پسند غربگرا بود. باید گفت این روند از سال ۱۳۱۲ش رشدی سریعتر به خود گرفت: (آشنا،١٣٨٤: ۱۵۸-١٦٠)

در دوران پهلوی دوم؛ این روند شتاب گونه با تقویت ابتذال همراه گشت، تا جایی که از این نوع روزنامه ها و مجلات با عنوان کاباره های کاغذی نام برده می شد (نصری،۱۳۷۸: ۲۳۳)

همین حساسیت رژیم، در مورد کتاب نیز وجود داشت تا جایی که روند مجوز به کتاب های مذهبی بسیار طولانی و همراه با جرح وتعدیل بسیارزیاد بود، (آشنا،١٣٨٤: ۱۷۳)

۱-۵. رادیو و تلویزیون

رادیو ، تلویزیون و سینما در دوران پهلوی(رادیو در دوران رضا شاه، و رادیو ، تلویزیون و سینما در عصر پهلوی دوم) ابزاری برای هماهنگ سازی فرهنگ و ایدئولوژی تجدد طلبی بود. (ازغندی، ۱۳۸۲: ۷۸)نمونه ی این سیاست در دوران پهلوی عبارت بودن از:پخش موسیقی های غربی و نپرداختن به گفتمان های مذهبی در دوران رضا شاه (اسماعیلی، ۱۳۷۹: ۲۵)و در دوران حکومت پهلوی دوم پخش اخبار نادرست، اکران فیلم های مبتذل، رویاپردازانه و ازخود بیگانه کننده در تلویزیون و سینما (آن هم با تبلیغات بسیار زیاد کالاهای خارجی)بود که پیامی جز استحاله فرهنگ اصیل ایرانی به همراه نداشت (روبین، ١٣٦٣: ١٩٤؛ازغندی، ۱۳۸۲: ٨٤)

٦-۱. پیروی از سلطه گران(سرسپردگی)

دلیل اصلی به پادشاهی رسیدن رضاخان،تغییر سیاست سلطه گران(انگلیسی ها) در استعمار ملت ها (حمایت از حکومت های دست نشانده بومی)بوده است. از سویی باید پذیرفت چنین حکومتی، جز انجام خواسته های دول مورد حمایتش، اقدامی انجام نخواهد داد. از این گونه سیاست ها می توان به پذیرش کاپیتولاسیون از سوی دولت

ایران که نمونه ی بزرگی از سرسپردگی به دول خارجی است اشاره کرد.امام خمینی(ره) در سخنران ای زیبنده ترین کلام را در مورد این اقدام رژیم فرمودند: و آن این بود"که ما را فروختند"

۲. ایرانی‌گرایی با تأکید بر لزوم تجدید عظمت ایران باستان

مروجان این پندار، اسلام را مایه بدبختی و فقر ایرانیان می دانستند.آنها به دنبال ایران با شکوه اعصار دور، چون: کورش و داریوش بودند(هاکس:۱۳٦۸: ۱۹٤؛زیبا کلام،۱۳۷۹: ۳۵۳)این تلقی در آثار افرادی چون آخوند زاده و میرزا آقاخان کرمانی دیده می شد که مستمسک دوران انحراف مشروطه و عصر پهلوی قرار گرفت (امیراحمدی، ۱۳۸۱: ۱۱۷)

رژیم پهلوی برای تحقق این اندیشه نابخردانه به اقداماتی دست زد که عبارت بودند از:

۲-۱. پیرایش زبان

این جریان، پیش از مشروطه و با سردمداری آخوند زاده آغاز شد. هدف او و همفکرانش چیزی جز زدایش لغات عربی از زبان فارسی نبود(اکبری،۱۳۸٤: ۵۱) رضا خان در اولین مرحله از اجرای اهداف دین زدایانه و ایران گرایی افراطی خود (زدایش لغات عربی از زبان فارسی)اقدام به وضع سیصد لغت نظامی جدید در سال ۱۳۰۳ش کرد و پس از سفر به ترکیه، دستور تاسیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی را داد (صدیق،۱۳٤۵: ۲۳۸-۲۳۹)

۲-۲. استفاده ابزاری از شاهنامه فردوسی

روشنفکر نماها و سیاستگذاران فرهنگی وابسته به رژیم پهلوی، برای رسیدن به اهداف خویش؛ چون القای نظریات، تغییر هویت و عناصر پایدار فرهنگ ایرانی، از نفوذ کلام فردوسی و مصادره ی مضامین این شاعر بزرگ، سوء استفاده فراوان کردند(غافل از آن که، این شاعر بزرگ خود متاثر از فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی بوده است)(فردوست، ۱۳۷۰: ٤۳/۲) . این اقدامات عبارت بودند از:برگزاری کنگره بین‌المللی هزاره فردوسی در سال ۱۳۱۳ ش و ساختن آرامگاه فردوسی با الگو برداری از آرامگاه کورش (صدیق،۱۳٤۵: ۲۱۷-۲۱۵؛صفایی،۱۳۵٦: ۱۰۰).

۲-۳. تغیر در مبدا تقویم

از دوران مشروطه، استفاده از تقویم شمسی بر تقویم قمری جنبه‌ی عام تری پیدا کرد. در سال ۱۳۰٤ش با تصویب مجلس نام ماه های شمسی به باستانی تغییر پیدا کرد(آشنا، ۱۳۸٤: ۸۹) این روند در زمان پهلوی دوم؛ در سال ۱۳۵۵ش با تغییر مبدا تاریخ شمسی(هجرت رسول مکرم اسلام(ص) از مکه به مدینه) به تاریخ تاسیس سلسله هخامنشی، کامل شد .امام خمینی(ره) این کار رژیم را از همه کارهای آن بدتر عنوان کردند(صدیقی، ۱۳۷۸: ٦۳)

۲-٤. باستان‌شناسی و باستان گرایی

اهمیت دادن به این علم (باستان شناسی) و شیوه فکری (باستان گرایی) به دلیل تعقیب رویکرد ناسیونالیسم افراطی پهلوی بود (شکوه و عظمت از آن ایران پیش از اسلام). از اقدامات این دوره می توان تاسیس انجمن آثار ملی ایران در سال ۱۳۰۱ش، تاسیس موزه ملی ایران(آشنا، ۱۳۸٤: ۱۰۰)، برگزاری جشن‌های باستانی ایران (نوروز، مهرگان و سده)، جشن های ۲۵۰۰ساله شاهنشاهی، تشویق به ورزش‌های دیرینهٔ ایرانی(اسب دوانی و چوگان)، توجه به سلوک و دین زرتشت به عنوان دین باستانی برتر (لقمان بایمت اف،۱۳۸۲: ۱۰۸؛آصف، ۱۳۸٤: ۲٤٤)، برگزاری کنگره زرتشتیان جهان در ماه مبارک رمضان در تهران به وسیله فرح دیبا و پذیرایی با شامپاین در کاخ سلطنتی (نصری،۱۳۷۸: ۲۲۲)را نام برد.

۳. شاه‌محوری

با عملکرد و کارنامه بد شاهان قاجار، رضاخان با مشکل مشروعیت روبرو بود. به همین دلیل بسیار سریع(پس از فتح تهران) با انجام اقداماتی مزورانه برای خود نوعی وجهه و مشروعیت کسب کرد تا نشان دهد شایستگی پادشاهی برای ایران را دارد.می توان گفت نطق تاجگذاری فروغی در نهادینه کردن شاه محوری بسیار مهم بوده است به طوری که رضا خان را پاک نهاد و پاک سرشت معرفی کرد که می باید الگوی هر ایرانی باشد (آشنا، ۱۳۸٤: ۹٦؛ آصف،۱۳۸٤: ۲۱۹)از سویی دیگر، به منظور تاثیر گذاری این سیاست؛ از سال ۱۳۱٤ ش ساخت و نصب مجسمه شاه در میادین آغاز و به اجرا در آمد

در دوران پهلوی دوم القای این سخن که شاه ظل الله، مایه قوام و بقای هویت ایرانی و مقدم بر همه ارکان نظام است با تبلیغات وسیع پیگیری و به اجرا در آمد(ازغندی،۱۳۸۲: ۲۵۹)

روند پیدایش انقلاب

تعریف انقلاب

بر اساس مبانی فکری و گرایش های جامعه شناسانه و انسان شناختی، تعاریف متعددی در باره مفهوم انقلاب بیان شده است که به شماری از آنان اشاره می کنیم:

مارکس:"انقلاب یک حرکت جمعی طبقاتی خشونت باری است که،سبب دگرگونی اساسی و سریع ساختار طبقاتی و نهادهای سیاسی جامعه می شود"(- Marx 1976:60 62).

اسکاچ پل:"انقلاب اجتماعی، دگرگونی اساسی و سریع دولت و ساختار طبقاتی و ایدئولوژی حاکم در جامعه است که به وسیله و همراه با قیام خشونت آمیز طبقاتی از پایین تحقق می یابد"(Skocpol 1982: 265)

هانتینگتون:" انقلاب یک دگرگونی داخلی سریع، اساسی و خشونت آمیز در ارزشها و اسطوره های غالب جامعه، نهادهای سیاسی، ساخت اجتماعی، رهبری و فعالیت ها و سیاست های حکومت است" (هانتینگتون: ۱۳۷۰: ۳۸٦-۳۸۷۷)

سوروکین: انقلاب را" تغییر نسبتا ناگهانی، سریع و خشونت آمیز قوانین رسمی ولی مهجور گروه، یا نهادها و نظام ارزش هایی که قوانین مزبور نماینده آنهاست" می داند.(کوهن،۱۳٦۹: ۱۹۵)

محمدی:"انقلاب حرکتی مردمی در جهت تغییر سریع و بنیانی ارزش ها و باورهای مسلط، نهادهای سیاسی، ساختارهای اجتماعی، رهبری، روش ها و فعالیت های حکومتی یک جامعه است که توام با خشونت باشد"(محمدی،۱۳۸۷: ۲۳)

سه رکن اساسی هر انقلاب

مردم، رهبری و ایدئولوژی

این سه رکن در هر سه مرحله انقلاب (آغاز جنبش، سرنگونی نظام حاکم و استقرار نظام جدید) نقش آفرینی هم زمان دارند.شاید بتوان گفت پیش از وقوع انقلاب اسلامی ایران، در هیچ مرحله تاریخی(از پانصد سال گذشته) این سه رکن به چنین نقش آفرینی هم زمانی نرسیده اند

مردم: انقلاب با مطرح شدن ناگهانی همه نیروهای فعال و غیر فعال جامعه که با عدم اعتقاد به نظام حاکم، مشروعیت آن را زیر سوال می برند آغاز می شود(بر اساس ایدئولوژی مشترک). باید گفت پیشرفت و عدم پیشرفت در انقلاب بستگی به ترکیب و تعداد گروه هایی دارد که از بطن جامعه برآمده لند(محمدی،۱۳۸۷: ٤۳) که در این روند به سه شاخه رادیکال(بنیادگرا و به دنبال اقدامات اصلاح گرایانه)، میانه‌رو(مخالف حرکت های تندگرایانه و غالبا از طبقه متوسط)، محافظه کار(وابسته به نظام حاکم تضعیف شده و مخالف هر نوع تغییر) تقسیم می شوند (برینتون،۱۳۷۰: ۱٤٤-۲۳۹)

ایدئولوژی:روشه، ایدئولوژی را چنین تعریف می کند:" سیستمی از ایده ها و قضاوت های روشن، صریح و عموما سازمان یافته است که موقعیت یک گروه، یا جامعه را توجیه، تفسیر، تشریح و اثبات می نماید.این سیستم با الهام و تاثیر پذیری شدید از ارزشها، جهت یابی معین و مشخصی را برای کنش اجتماعی آن گروه و یا آن جامعه پیشنهاد و ارائه می دهد (روشه،۱۳٦٦: ۹۹)

ایدئولوژی انقلابی: برنامه ای برای تحول فوری در وضع فعلی جامعه است(جانسون،۱۳٦۳: ۹۱)که دارای اصول و ابعاد متعددی است: اول: محکوم کردن و غیر قابل تحمل دانستن وضع موجود و نشان دادن عدم سازش، با کارگزاران است و دوم ارایه ویژگی های جامعه مطلوب: در این حللت است که لیدئولوژی به صورت نظام

ارزشـــی بدیل، ســـیســـتم مند و با دیدی فراطبقه ای ابتدا به ابهامات ایجاد کرده در بدنه ارزشـی نظام حاکم پاسـخ می دهد و بعد به سـراغ مشـخص کردن اهداف انقلاب و ارائه تصـویر روشـنی از جامعه آرمانی که در شـعارها منعکس کرده، می پردازد و در این فرایند به توصـیف هسـتی شـناسـی مورد تایید خود می پردازد. از همین نوع اسـت دیدگاهش نسـبت به انسـان،جامعه، زن، مرد و جایگاه اقشـار اجتماعی مختلف(بشـلر،۱۳۷۰: ٤١–٤٣؛جانسـون،۱۳٦۳: ۸۹–۹۱)و در مرحله آخر ارایه راه کاری عملی برای چگونگی انتقال از وضـع موجود به سـوی وضـع آرمانی: (جانسـون،۱۳٦۳: ۱۵۰؛راش،۱۳۷۷: ۲۰۵) در این مرحله ایدئولوژی با ایجاد هویت مشـترک سـبب اتحاد بین مردم می گردد و آنان را برای رسـیدن به اهداف، به ایثار و فداکاری ترغیب می نماید که نشـان از اهمیت چشـم انداز ترسیم شده و میل و امید به آینده جامعه دارد(هافر،۱۳۷۲: ۵۷؛اخوان منفرد،۱۳۸۱: ۸۵)

رهبر:رهبران نقش تشویقی، آگاهی دهندگی، سازماندهی نیروها، بسیج نیروها، تامین منابع و مهمتر از همـه وحـدت انقلابیون و مردم و تعیین راهبردهـای کلان انقلاب را دارنـد. (Green 1990: 51-54)اریک هافر از نشـــانه های یک رهبر به داشـــتن اراده آهنین، شـهامت، بینش رهبری اشـاره کرده و آن را مظهر تجسـم قاطعیت عقیده و ایسـتادگی در برابر دشمن می داند. (هافر،۱۳۷۲: ۱۹۲)

دیـدگـاه هـای متفـاوتی دربـاره نقش رهبری وجود دارد.مثلا در نظریـه تضـــادگرایی و کارکردگرایی نقش خاصـی برای رهبر قائل نیسـتند(بشـیریه،۱۳۷۲: ۸۸؛زیتلین،۱۳۷۵: ٤٧٣) اما از ســـویی دیگر، در نظریه روان شـــناختی، نقش اســـاســـی برای رهبر(فرهمند یا کاریزماتیک) قائل هستند(حسینی،۱۳۸۱: ۲۸)

دکتر محمدی سه چهره متفاوت برای رهبری تصویر کرده است:

الف:لیدئولوگ انقلاب یا بنیانگذار مکتب فکری و طراحی لیدئولوژی انقلاب: این مقام نه انتخابی اسـت و نه انتصـابی بلکه مردم بر پایه اصـالت پیام و حقیقت اندیشـه(رهبر)وی را می پذیرنـد، آگـاهی مردم نســـب بـه مکتب و تعهـد عملی رهبر بـه ارزش هـای علمی و اخلاقی سبب ایمان و اعتقاد به وی می شود که متعاقب آن نوعی ارادت، تعصب، تعهد و فداکاری را به دنبال خواهد داشت.

ب:رهبر انقلاب یا قهرمان و فرمانده کل عملیات انقلابی: در این نقش، رهبر بر اســـاس ایدئولوژی انقلابی نحوه ی تحقق و پیروزی ســـریع انقلاب را طراحی می کند، در این چهره او دارای نبوغ، اسـتعداد، خلاقیت ویژه و معمولا دارای پایگاه اجتماعی ارزشـمند و معتبری اســـت و انقلاب را از قوه به فعل در می آورد او به کلمات مکتب با توانایی خود جان می بخشد و به مردم حق حاکمیت می دهد، و با نبوغ و استعداد خود سکان هدایت کشتی انقلاب را به دست می گیرد و نهایتا بر خصم فائق و انقلاب را به پیروزی هدایت می نماید.در این مسـیر رهبر اسـتراتژ انقلاب،تاکتیک مبارزه، بسـیج نیروها، و شـعارهای عملی را تعیین، و انقلاب رو به پیروزی را از بن بست ها و مهلکه ها نجات می دهد

ج:زمامدار حکومت انقلابی یا سیاستمدار و معمار جامعه بعد از پیروزی انقلاب: بر اساس نظام سیاسی؛ ممکن است رهبر، خود زمامدار باشد یا اداره امور را به کمیته یا حزب خاصی بسپارد. اما در این مرحله رهبر باید در صدد تحقق جامعه آرمانی و احیای ارزش های اساسی که در دوره قبل مورد غفلت قرار گرفته است تلاش نماید

به عقیده دکتر محمدی ایده آل ترین و موفق ترین نوع رهبری جمع شدن سه چهره در یک شخص می باشد (محمدی،۱۳۸۷: ٤٦-٤٧)

فرهنگ سیاسی

لوسین پای فرهنگ سیاسی را این طور تعریف کرده است"مجموعه نگرش ها،اعتقادات و احساساتی که به روند سیاسی نظم و معنی می دهد و فرضیه ها و قواعد تعیین کننده حاکم بر رفتار و نظام سیاسی را مشخص می کند"(عالم،۱۳۷۳: ۱۱۳)

فرهنگ سیاسی تشیع

ما عوامل اقتصادی و سیاسی را در تحقق انقلاب نادیده نمی گیریم. اما قائل هستیم که انقلاب اسلامی ایران در بستر فرهنگ سیاسی متاثر از تفکر تشیع، توانست اعتراض خود نسبت به دستگاه خودکامه پهلوی را اظهار و آن را با چالش جدی روبرو سازد و نهایت امر در مقابل آن به پیروزی برسد

بر همین اساس فرهنگ سیاسی تشیع را می توان نحوه برخورد شیعه امامیه، در مقابل سیاست و قدرت سیاسی بیان کرد. به عبارت بهتر، فرهنگ سیاسی تشیع این طور تعریف می شود: «مجموعه ی پیوسته ای از: نظام اعتقادی، ارزش‌ها و نمادهای مذهب تشیع که مبنای کنش و واکنش‌های شیعیان در برابر نظام‌های سیاسی و حکومت‌ها می گردد.»

مبانی فرهنگ سیاسی تشیع

نظام اعتقادی

امامت و رهبری: اعتقاد تشیع بر آن است که حاکمیت مطلق از آن خدا است.از این رو خداوند بنابر هدف خلقت انسان (هدایت و سعادت)، پیامبران الهی را فرو فرستاد تا به عنوان بشیر و نذیر، به این مهم اقدام نمایند. با اتمام رسالت پیامبر مکرم اسلام(ص)؛این سنت الهی(به دلیل خالی نبودن زمین از حجت خداوند)می باید از جانب اشخاصی که

دارای شـــرایط و ضـــوابط الهی هســـتند ادامه یابد، که ایشـــان همانا ائمه معصـــومین(ع) هســـتند.بنابر همین عقیده، در دوران غیبت آخرین امام معصـــوم(مهدی"عج")، این امر جانشـینی؛ بر عهده فقهای واجد شـرایط می باشـد، که بر اسـاس مبانی اسـلام ، سـنت پیامبر(ص) و ائمه معصـــومین(ع) به هدایت و راهبری جامعه اســـلامی اقدام نمایند(هر حکومتی بدون محوریت آنها، نامشروع و در صورت امکان جهاد با طاغوت واجب است)

لازم به توضیح است اگرچه؛ این راهبری مردم توسط فقها (جانشینان ائمه معصومین(ع)، در دوره های متعدد؛ به دلیل ظلم و جور حکام محقق نگردید،اما باید اشـــاره کرد از دهه چهلم شـمسـی با تبلور شـخصـیتی چون امام خمینی(ره) و پذیرا شـدن مردم این حرکت برآمده از ایدئولوژی تشیع محقق و نظام طاغوت شکسته شد

عدل: به معنی رســـلندن حق به صـــاحب حق، که یکی از وظایف و اهداف انبیای الهی اســـت(قرآن کریم،ســـوره حدید:۲۵) شـــهید مطهری عدل را این گونه تعریف می کنند: «عدل عبارت اســـت از رعایت حقوق افراد و اعطا کردن به هر ذی حق، حق او را. معنی حقیقی عدالت اجتماعی بشری، یعنی عدالتی که در قانون بشری باید رعایت شود و افراد بشر باید آن را محترم بشمارند، همین معنی است.»(مطهری،۸۰/۱).شیعیان، امامان معصوم را مصداق کامل عدالت می دانند.

امر به معروف و نهی از منکر: عقیده ای اسـت دایر بر نظارت همگانی بر احوال جامعه؛ و باعث قوام ، بقا و نیکویی آن. امیرالمومنین علی(ع) امر به معروف و نهی از منکر را یکی از شروطی فرمودند که در صورت عدم تحقق در جامعه، ظهور اشرار و تبهکاران را عامل می گردد.(شهیدی،۱۳۷٦: ۳۵٦) از سویی قیام سید الشهدا بر این اصل استوار بوده است. نقل است که از نیمه عصر صفوی، این واجب الهی را چنان غبار فراموشی حادث گردید که حتی از رساله عملیه ی مراجع حذف گردید.علمای معاصر شروط حذف این واجب الهی را نپذیرفتند تا جایی که امام خمینی(ره) نقطه عطفی در این امر پدید آوردند (طیبی شبستری،۱۳۵۱: ۱٤٦)

تقیه: اصـلی معقول در شـیعیان؛ به معنای: عدم اظهار عقیده بر خلاف نظر جمع.کاربرد آن زمانی است که احتمال خطر(تابع شرایط خاص)شخص را تهدید می نماید(عنایت:۱۳۷۲: ۲۹۹) باید اذعان داشـــت این اصـــل به وســـیله امام خمینی(ره) مورد بازنگری جدی قرار گرفت

تولی و تبری: این عامل عاطفی؛ به معنای: دوسـتی با دوسـتان خدا و دشـمنی با دشـمنان خدا اسـت.این خصـیصـه با همراهی تدبیر و موقعیت شـناسـی؛ می تواند سـبب تحولات درونی(آمادگی روحی)و عاملی مهم در شکل گیری قیام علیه ظلم و جور گردد

جهاد: امری پسندیده و مورد توجه در کلام علی(ع)، ایشان آن را عاملی مهم در برانگیختن علیه ظالم و جانبازی کردن در راه هدف معرفی می نمایند(شهیدی،۱۳۷٦: ۲۷). باید گفت در تاریخ اسلام نمونه های زیادی از این اقدام شجاعانه وجود دارد که سرآمد آنها: نبی مکرم اسلام(ص)، امیرالمومنین(ع) و اسوه بزرگ جهاد و شهادت امام حسین(ع) هستند

نظام ارزشی

سلطه ستیزی و استکبار ستیزی: این رکن از نظام ارزشی بر گرفته از دستور قرآن کریم: که خداوند هیچ گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلّط باز نخواهد نمود(قرآن کریم،سوره نساء:۱٤۱) و شیوه زندگانی ائمه معصومین(ع) بخصوص اسوه شهادت امام حسین(ع) (پیروز بودن اصل خون بر شمشیر)شکل گرفته است. با نظاره بر تاریخ می توان این مولفه را عاملی مهم، در برانگیختن قیام های متعددی نزد بسیاری از آزادی خواهان به خصوص اهل تشیع دانست

عدالت: این عامل منبعث از اعتقاد دینی، در نظام ارزشی با عنوان عدالت خواهی محقق می گردد

شهادت طلبی:این مولفه، جاذبه ای نیرومند و روحیه آفرین برای همه نهضت های شیعی است که نظام های حاکم را، به دلیل عملکرد نادرستشان به مبارزه می طلبد(عنایت،۱۳۷٤: ۳۰۹). شهادت امام حسین(ع)که نشان دهنده مظلومیت و حماسه و ایثار آن بزرگ مرد تاریخ است نقطه عطفی در آغاز و انجام قیام های متعدد در طول تاریخ گردید

نماد

نهضت عاشورا: این واقعه آن قدر در سرنوشت آینده اسلام موثر واقعه شده که امام خمینی(ره) فرمودند "این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است" . علامه جعفری نتیجه قیام عاشورا را این طور وصف می نماید:" از آثار قیام امام حسین(ع) عدم جواز مسامحه با مخالفان دین و ارزش‌های دینی به بهانه نبودن احساس قدرت می باشد. در حقیقت، از این داستان نتیجه می گیریم که قدرت، احراز نمی خواهد، ناتوانی احراز می خواهد."(جعفری،۱۳۸۲: ۸۳)

مهدویت: اعتقاد به ناجی کل، یکی از عقاید همه ادیان توحیدی و یکی از اصول و مبانی تشیع است که نمادی برای طلب آزادی خواهی و اجرای حقیقت خواهی در سایه ی اندیشه ای با عنوان انتظار فرج سازنده است

مسجد: این مولفه از صدر اسلام مرکز انجام مراسم مختلف عبادی، روشنگری مسائل سیاسی،تصمیم گیری و رایزنی های مهم اجتماعی مانند فرمان جنگ و صلح و ...بوده است.وقایع مهم تاریخ معاصر ایران مانند نهضت تنباکو، قیام مشروطه و وقایع منتج به انقلاب اسلامی ایران، نشان دهنده اهمیت این نماد است.

فرهنگ در کلام امام خمینی(ره)

ایشان با دیدگاهی بر گرفته از دیدگاه ارزشی بر پایه دین محوری با زبانی ساده به بیان نظریات خود می پردازند

ایشان فرهنگ را؛ بالاترین و بزرگ ترین عنصر(اساس) در موجودیت (مبدا خوشبختی و بدبختی ملت)هر جامعه می دانند (امام خمینی،۱٦۰/۱٥؛ ۲۷۳/۱) .

عناصر تشکیل دهنده فرهنگ از دیدگاه امام خمینی(ره): دانش، ادب، تعلیم و تربیت، اعتقادات، اخلاق و عمل ، گرایش های فکری، هنجارها، باورها و ارزش ها، برداشت ها، هنر، اجتماع و قواعد مربوط به آن است. آن چنان که به نظر می رسد صبغه امور غیر مادی بیش از امور مادی مورد توجه ایشان بوده است(عزتی،نامه پژوهش ۱،۱٤)

امام خمینی(ره) فرهنگ به جای مانده از دوران پهلوی را فرهنگ وابسته (عقب نگه داشته شده) معرفی کرده(امام خمینی،۲۷۲/۲؛ ۲۸٤/٤) و آن را سر منشا همه وابستگی ها دانسته(امام خمینی،۱۰،٥٥–٥٦) و معتقد بودند مهمترین خصیصه این فرهنگ عقب نگه داشته شده، وابستگی فکری(عدم خود باوری و اتکای به نفس)است(امام خمینی،۱۱٦/۱۱)

فرهنگ استعماری

امام خمینی(ره) امریکا را در نیم قرن اخیر مروج فرهنگ استعماری - استبدادی دانسته که هدفی جز کم رنگ کردن فرهنگ اسلامی نداشته است(امام خمینی،۱۸۷/۹)

باید یاد آور شد پیاده سازی این فرهنگ در پوششی با عنوان جهانی سازی در حال انجام است

فرهنگ استقلالی

امام خمینی(ره) استقلال هر جامعه را منوط به استقلال فرهنگی آن دانسته است(امام خمینی،۱٦۱/۱٥)

شاخصه های این فرهنگ عبارتند از: **کسب خود باوری و استقلال فکری، بازیابی هویت و استغنای فرهنگی، رسیدن به معنویت و اعتلای اندیشه برای انسان سازی**

امام خمینی(ره) کسب خودباوری و استقلال فکری را مقدمه ای برای بازیابی هویت و استغنای فرهنگی معرفی کرده اند. (امام خمینی٢١٢/٦) ایشان بازیابی هویت و استغنای فرهنگ متعالی را نه تنها برای مسلمین بلکه برای همه سرزمین های شرق عالم؛ توصیه و ترغیب کرده‌اند(امام خمینی،١٤٢/٦). امام خمینی(ره) در نتیجه گیری ظریفی، ماحصل رسیدن به استقلال فرهنگی راکسب معنویت، تعالی و صدور اندیشه مکتبی و در عبارتی زیبا، انسان سازی، معرفی کرده اند (امام خمینی،١٦/٧و ٦٢؛ ١٠/ ٢٣٣)

امام خمینی(ره)، احیاگر فرهنگ سیاسی تشیع

ایران پس از کودتای آمریکایی_انگلیسی ٢٨ مردادماه ١٣٣٢ش و آغاز جنگ سرد (به دلیل همسایگی با شوروی و منابع سرشار انرژی) دارای اهمیتی دوچندان برای قدرت های غربی، بخصوص آمریکاگردید. به همین دلیل محمد رضا پهلوی به دستور آمریکایی ها، مامور اجرای طرح های حفاظتی(عوام فریبانه)برای جلوگیری از نفوذ لندیشه روبه رشد مارکسیسم گشت

این طرح ها که در دهه چهل شمسی، به اجرا در آمد عبارت بودند از:**اصلاحات ارضی، لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی، انقلاب سفید شاه و احیای کاپیتولاسیون**

امام خمینی(ره) با نگارش کتاب کشف الاسرار (بعد از اخراج رضا خان) پا به عرصه مبارزاتی علیه رژیم پهلوی نهاد. ایشان با شناخت دقیق از فرهنگ سیاسی تشیع با هدف احیای اسلام و ارزش های آن، به اقدامات مزورانه پهلوی دوم واکنش نشان داد

انجمن های ایالتی و ولایتی

امام خمینی(ره) با همکاری علماء؛ در واکنش به ماجرای انجمن های ایالتی و ولایتی، به آگاه سازی اذهان عمومی مردم و ارسال تلگراف اعتراض(به منظور لغو طرح) به نخست وزیر و شاه اقدام فرمودند. ایشان پس از آگاهی از واکنش اولیه رژیم، که نشان ازعدم موافقت با لغو مصوبه مذکور داشت، با ارسال تلگراف دومی اقدام به اعلام هشدار نسبت به ارکان حکومت کردند. نهایتا طرح مذکور با پافشاری امام،توسط هیات دولت لغو گردید.لازم به توضیح است اقدامات امام در این بخش زمانی، نشان از استفاده ایشان از ظرفیت امر به معروف و نهی از منکر (یکی از عناصر فرهنگ سیاسی تشیع) دارد

انقلاب سفید

پهلوی دوم، علی رغم اقدامات علما و شخص امام خمینی(ره)(تشویق مردم بر اعتصاب و عدم شرکت در رفراندوم پیشنهادی دستگاه حاکمه) مصمم به اجرای طرح شش ماده ای انقلاب سفید بود، به همین علت؛ با سفر به قم و اهانت به علما، و زمینه چینی و برگزاری رفرلندوم فرمایشی، نشان داد انعطاف پذیری به منظور جلب نظر روحانیت

ندارد. امام خمینی(ره) در واکنش به این اقدام شاه، مبادرت به تشدید لحن خود نسبت به دستگاه حاکمه کردند و حکومت را با القابی چون دستگاه جابره و دستگاه جبار خطاب فرمودند و انقلاب سفید را انقلاب سیاه نامیدند. در واکنش بعدی به تصویب اصول شش گانه، امام خمینی(ره) با بهره بردن و تلفیق سنت و شریعت، نوروز آن سال(۱۳٤۲ش) را عزای عمومی اعلام کردند.

با کشتار وحشیانه طلاب و مردم در مراسم روضه خوانی مدرسه فیضیه در دوم نوروز همان سال(مصادف با شهادت امام صادق(ع). امام خمینی(ره) با ارسال نامه ای شجاعانه به علمای تهران، تقیه(ارکان فرهنگ سیاسی تشیع)را، به دلیل در معرض خطر بودن قرآن و مذهب، حرام اعلام، و با صدور اعلامیه ای با نام شاه دوستی یعنی غارتگری به روشنگری اذهان عمومی پرداختند.

باید اشاره کرد جامعه به دلیل وقایع پیش آمده، دارای چنان استعدادی شده بود که برای اولین بار در محرم همان سال(از ارکان فرهنگ سیاسی تشیع) شاه را دیکتاتور خطاب و او را با یزید قیاس می کردند. امام خمینی(ره) در ادامه روند مبارزاتی خویش، در سخنرانی روز عاشورا (از ارکان فرهنگ سیاسی تشیع) به صورت مبسوط در مورد نتایج زیان بار سلطنت پهلوی و انتقاد از رابطه حکومت با رژیم اشغالگر قدس سخنرانی کردند(تولی و بری یکی از ارکان فرهنگ سیاسی تشیع) و پهلوی دوم را به تدبر در امر خود و آینده زیان بار خویش و درس از عاقبت پدرش نصیحت کردند.(امر به معروف و نهی از منکر یکی از ارکان فرهنگ سیاسی تشیع). اقدام رژیم در دستگیری امام خمینی(ره) واکنش مردم بیدار شده ایران را به همراه داشت، و آن خلق حادثه خونین ۱۵ خرداد بود (ایثار و شهادت طلبی از ارکان فرهنگ سیاسی تشیع)

کاپیتولاسیون

در قضیه احیای کاپیتولاسیون(نشان از سرسپردگی کامل دستگاه حاکمه)، امام خمینی(ره) بعد ایرانیت مردم ایران (از عنصر پایداری فرهنگ ایرانی)و بعد سلطه ستیزی و استکبار ستیزی ملت را مد قرار دادند(از ارکان فرهنگ سیاسی تشیع) به همین دلیل با سخنرانی کوبنده ای عدم مشروعیت دولت و مجلس را اعلام فرمودند. دستگاه جابره پهلوی در واکنش به سخنرانی معظم له، ایشان را به نجف تبعید کرد.

نظام سازی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه

با طرح و تدریس موضوع ولایت فقیه در نجف، امام خمینی(ره)به طور رسمی تصمیم بر تشکیل حکومت اسلامی و از بین بردن نظام طاغوت گرفتند (ایشان به صراحت فقها را در زمان غیبت حضرت مهدی(عج) نایب ایشان دانسته و مردم را برای تحقق این امر فرا خواندند"اعتقاد به اصل امامت و رهبری در فرهنگ سیاسی تشیع"). ایشان به منظور

عملی کردن هدف خویش(نظام سازی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه) با اعلام دستوراتی در قلب ضبط صدا و صدور اعلامیه، مردم را به فعالیت هایی از جمله: قیام عمومی، اعتصاب، عدم همکاری و فرمانبری از رژیم و طرح دفاع محدود، فرمان داده و انقلاب را رهبری می فرمودند

حوادث عجین شده با عناصر فرهنگ سیاسی تشیع

سال های ۱۳٥٦و ۱۳٥۷ش سال هایی پر حادثه و مهم در روند نهضت اسلامی ایران بود، که نشان از نفوذ ایدئولوژی(اسلام)، رهبری بزرگ و مردمی آماده ایثار و شهادت داشت. وقایعی که با عجین شدن با فرهنگ سیاسی تشیع (مجموعه ای از اعتقادات،ارزشها،نمادهای تشیع)سرنوشت ساز، و تسریع کننده وقوع انقلاب گردید (محمدی،۱۳۸۷: ٤۱-٤۲)این وقایع عبارت بودند از: مرگ مشکوک دکتر شریعتی و حاج آقا مصطفی خمینی، قیام و کشتار نوزده دی ۱۳٥٦ش مردم قم در پی اهلنت روزنامه اطلاعات به امام خمینی(ره) که برگزاری مراسم های چهلم در شهرهای مختلف و به تبع آن کشتارهای متعددی را از سوی رژیم در بر داشت، نماز پر شکوه عید فطر۱۳٥۷ش و تظاهرات پر شکوه مردم، کشتارهای۱۷شهریور و سیزده آبان سال ۱۳٥۷ش، فرار شاه در ۲٦دی ماه ۱۳٥۷ش، تظاهرات پر شکوه اربعین۱۳٥۷ش، ورود امام و پیروزی انقلاب .

در تمام مراحل این انقلاب شکوهمند وجود عناصر فرهنگ سیاسی تشیع به وضوح دیده می شود. نمونه هایی از این عناصر عبارتند از: شعارها بر گرفته از فرهنگ بومی با تاکید بر اصول مذهبی و فرهنگ ایثار و شهادت طلبی بود(استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی و نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی)، رهبری از چهره های متنفذ مذهبی جامعه بود، جنس مردم؛تظاهر کنندگان عامی و از طبقه متوسط و پایین جامعه (شهری) در قلب دسته جات و شعارهای مذهبی بود، مکان و زمان شروع انقلاب شهر مذهبی قم و آغاز آن حادثه دلخراش ۱۹دی ۱۳٥۷ش بود، تظاهرات با محوریت مساجد و حسینیه ها انجام می پذیرفت، نقطه اوج این انقلاب شکوهمند مراسم مذهبی مانند: نماز عید فطر، تاسوعا و عاشورا، اربعین حسینی و چهلم های شهرهای مختلف بود

نتیجه

علی رغم این که، هیچ کدام از دو واقعه ی جنبش تنباکو و نهضت مشروطه، به دلیل احراز نشدن تمام شرایط وقوع یک انقلاب(نقش آفرینی همزمان ایدئولوژی، رهبر، مردم)، نتوانستند هدف متعالی انقلاب برگرفته از مبانی اسلام را تحقق بخشند. اما توانستند حیاتی بودن نقش؛ و تاثیر فرهنگ سیاسی تشیع را به اثبات رسانند

ایران از سال ۱۳۰٤ش شاهد ظهور سلسه پهلوی به عنوان مجری مطاع اوامر دول سلطه گر بود. این حکومت دست نشانده، با سرلوحه قرار دادن سه اصل: سکولاریزم در تمام زمینه ها، تجدد سطحی و مبتذل (غرب گرایی)، ناسیونالیزم باستان گرایی (ایرانی گرایی)، دیکتاتوری و استبداد با محوریت شاه‌محوری، در صدد دین زدایی از این سرزمین اقدام کرد.

جز اسلام خواهان شیعی(ایدئولوژی الهی)، هیچ یک از قالب های فکری مانند: ملی گرا، آزادی‌خواه، سوسیالیست در شکستن خفقان مطلق دوران پهلوی موفق نبودند.در این میان فرهنگ سیاسی تشیع با دارا بودن عناصری چون نظام اعتقادی، نظام ارزشی و نمادهای برگرفته از تشیع ناب محمدی(ص) به رهبری امام خمینی(ره) و مردمی که حاضر به فداکاری، ایثار و شهادت در راه آرمان های اسلام عزیز بودند به پیروزی رسید. و توانست دستاوردهایی چون مساوات گرایی، عدالت طلبی، ظلم ستیزی و مشارکت خواهی، سوال و به چالش کشیدن سلسله مراتب اجتماعی و طبقاتی را به ارمغان آورد.

انقلاب اسلامی ایران به اثبات رسانید به دنبال معنویت گرایی در سیاست (فرهنگ سیاسی تشیع) به عنوان قرائتی جدید و کارآمد از عقلانیت سیاسی است. از همین رو امام خمینی(ره)، پس از پیروزی انقلاب و تشکیل جامعه ولایی، بر پایه همین لندیشه ی متعالی (مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)، به صدور تفکر انقلاب و مبارزه با سلطه گران و حمایت از سلطه ستیزان اقدام نمودند.

منابع:

آشنا، حسام‌الدین،(۱۳۸٤) از سیاست تا فرهنگ، تهران، سروش

آشوری،داریوش(۱۳۵٦)؛تعریفها و مفهوم فرهنگ،تهران:مرکز اسناد فرهنگی آسیا

آصف، محمدحسن(۱۳۸٤)؛مبانی ایدئولوژیک حکومت در دوران پهلوی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

اخوان مفرد، حمیدرضا (۱۳۸۱) ، ایدئولوژی انقلاب ایران، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

ادیب هروی،محمدحسن(۱۳۲٦)؛حدیقه الرضویه(تاریخ مشهد)،مشهد:چاپخانه خراسان

ازغندی، علی‌رضـا(۱۳۸۲)؛ تاریخ تحولات سـیاسـی و اجتماعی ایران(۵۷ ـــــ ۱۳۲۰)، تهران:سمت

اسلامی، ندوشن(۱۳۷۰)؛ ایران،لوک پیر، کتاب پرواز

اسـماعیلی، علی‌رضا و دیگران(۱۳۷۹)؛ اسـنادی از تاریخچه رادیو در ایران، تهران:معاونت اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهور و سازمان چاپ و انتشار وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی

اشیدری،جهانگیر(۱۳۵۵)؛تاریخ پهلوی و زرتشتیان،تهران:ماهنامه هوخت

اکبری، محمدعلی(۱۳۸٤)؛پیشـگامان اندیشـه جدید در ایران: عصـر روشـنگری، تهران، موسسه تحقیقات‌وتوسعه‌علوم انسانی

الگار،حامد(۱۳۵٦)؛نقش روحانیت پیشـرو در جنبش مشـروطیت،ترجمه ابوالقاسـم سری،تهران:نشر طوس

الول ساتن،لارنس پل(۱۳۳۵)؛ افسانه های ایرانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر

الیوت،تی. اس(۱۳٦۹)؛درباره مفهوم فرهنگ،ترجمه حمید شاهرخ،تهران:نشر مرکز

امیراحمدی، مهران(۱۳۸۱) راهبران فکر مشروطه، تهران:درسا

بابایی،علی(۱۳٦۹)؛فرهنگ علوم سیاسی،تهران:نشر شرکت نشر

برینتون،کرین(۱۳۷۰)، کالبدشکافی چهارانقلاب، ترجمه محسن ثلاثی، تهران:زریاب

بشـلر،ژان(۱۳۷۰)،ایـدئولوژی چیسـت؟ نقـدی بر ایـدئولوژیهـای غربی، ترجمـه علی اسدی،تهران: شرکت سهامی انتشار

بشیریه،حسین(۱۳۷۲)،انقلاب و بسیج سیاسی،تهران: دانشگاه تهران

بصیرت منش،حمید(۱۳۸۵)،علما و رژیم رضا شاه،تهران:عروج

پـالمر،مونتی و دیگران(۱۳۷۲)؛نگرش جـدیـد بـه علم سـیـاسـت،ترجمـه منوچهر شجاعی،تهران:وزارت امور خارجه

توکل، محمد(۱۳۷۰)؛جامعه شناسی معرفت و علم، تهران:سمت

تویسرکانی، محمد(۱۳٦۲)؛ فرهنگ جعفری،تهران:نشر دانشگاهی

ثقفی،رضا(۱۳٤۸)؛مفاهیم فرهنگ در ادبیات فارسی،مجله فرهنگ و زندگی،شماره ۱

جانســـون، چالمرز(۱۳٦۳)،تحول انقلابی،بررســـی نظری پدیده انقلاب، ترجمه حمید الیاسی، تهران: امیرکبیر

جعفری ، محمد تقی ،(۱۳۸۲)؛ نیایش امام حسین (ع)، تهران: موسسه نشر آثار علامه

حسینی، حسین(۱۳۸۱)،رهبری و انقلاب: نقش امام خمینی(ره) در انقلاب اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی

حسینیان،روح‌الله(۱۳۸۳)؛چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران(٥٦ ـــ ۱۳٤۳)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی

خشونت و فرهنگ(۱۳۷۱)؛اسناد محرمانه کشف حجاب،تهران،سازمان اسناد ملی

خمینی(امام)،روح اله،صحیفه نور،تهران:موسسه تنظیم و نشر آثار امام

دهخدا، علی اکبر، فرهنگ لغات، تهران: دانشگاه تهران

ذاکر اصفهانی،علیرضا(۱۳۸۱)؛ ناسیونالیسم رمانتیک در ایران، مجموعه مقالات مولفه های هویت ملی در ایران:معارف

راش، مایکل(۱۳۷۷)، جامعه و ســیاســت: مقدمه ای بر جامعه شــناســی ســیاســی،ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سمت

رجایی،فرهنگ(۱۳۸۲)؛ مشکل هویت ایرانیان امروز،تهران:نشرنی

روبین، باری(۱۳٦۳)؛جنگ قدرت‌ها در ایران، ترجمه محمود مشرقی،تهران: آشتیانی

روح الامینی،محمود(۱۳٦٥)؛زمینه فرهنگ شناسی،تهران:عطار

روح الامینی،محمود(۱۳٦۸)؛مبانی انسان شناسی، تهران:عطار

روشه، گی(۱۳٦٦)،تغییرات اجتماعی،ترجمه منصور وثوقی،تهران: نشر نی

زهیری،علیرضا(۱۳۷۹)؛"هویت ملی ایرانیان"،فصلنامه علوم انسانی،س۳،ش۱۲

زیباکلام، صادق(۱۳۷۹)؛ سنت و مدرنیته، تهران: روزنه

زیتلین، موریس(۱۳۷٥)، «انقلاب کوبا:انقلابی بدون برنامه»، مطالعه تطبیقی انقلابها، تدوین لورنس کاپلان، ترجمه محمد عبداللهی، تهران: علامه طباطبایی

سردار اسعد(۱۳۷۲)؛خاطرات سردار اسعد بختیاری،به کوشش ایرج میرزا،تهران:اساطیر

سـولیوان، ویلیام و آنتونی پارسـونز(۱۳۷۳)؛خاطرات دو سـفیر، ترجمه محمود طلوعی، تهران:علم

سید امامی،کاوس(۱۳۸۷)؛گفتارهایی در باره انقلاب اسلامی ایران،به کوشش سید جلال درخشه،تهران:دانشگاه امام صادق(ع)

شهیدی،سیدجعفر(۱۳۷٦)؛ ترجمه نهج البلاغه،تهران: انقلاب اسلامی

صدر،محسن(۱۳٦٤)؛خاطرات صدر الاشراف،تهران:وحید

صـدیق،عیسـی(۱۳٤۲)؛تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضـر،تهران:سـازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی

صدیق،عیسی(۱۳٤٥)؛یادگار عمر،ج۲،تهران:امیرکبیر

صـفایی،ابراهیم(۱۳٥٦)؛رضـا شـاه کبیر و تحولات فرهنگی ایران،تهران:وزارت فرهنگ و هنر

طیبی شبستری،احمد(۱۳٥۱)؛تقیه و امر به معروف و نهی از منکر،تهران: اسلامی

عالم،عبدالرحمن(۱۳۷۳)؛بنیادهای علم سیاست،تهران:نشرنی

عمید، حسن، فرهنگ نو(عمید)

عنایت،حمید(۱۳۷۲)؛اندیشه سیاسی در اسلام معاصر،ترجمه بهاءالدین خرمشاهی،تهران:خوارزمی

فرخ،مهدی(۱۳٤۷)؛خاطرات سیاسی فرخ،تهران:امیرکبیر

فردوست،حسین(۱۳۷۰)؛ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد۲، تهران:اطلاعات

فصل نامه یاد،سال ٥،ش۱۷،زمستان۱۳٦۸

فولادی،محمد(۱۳۸٦)؛هویت ملی، عناصر، چالش ها:نگاهی به نظریه فلسفه ذات، ماهنامه معرفت،س۱٦،ش٥

کاتوزیان، محمدعلی(۱۳۷۹)؛اقتصاد سیاسی ایران(از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی)ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی،تهران:مرکز

کچوئیان،حسین(۱۳۸٤)؛تطورات گفتمان های هویتی ایران،نشر نی

کـدی، نیکی(۱۳۷۸)؛ چرایی انقلابی شـدن ایران،فصـلنامه متین، ترجمه فردین قریشی،س۱،ش۲

کربن، هنری و دیگران(۱۳۸۱)،روح ایران، ترجمه محمود بهفروزی و مقدمه داریوش شایگان، پندنامک

کسروی،احمد(۱۳۵۵)؛زندگی من یا ده سال در عدلیه،چرا از عدلیه بیرون آمدم،تهران:نشر و پخش کتاب

کلاکهن، کلاید (۱۳۵۰). زمینه شناسی و مردم شناسی، ترجمه ظفر دخت اردلان

کوهن، آلوین استانفورد(۱۳٦۹)؛ تئوریهای انقلاب، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر قومس.

گیمن، دوشن(۱۳۸۱)؛ زرتشت و جهان عرب، ترجمه مسعود عرب نیا: مروارید

لقمان بایمت اف(۱۳۸۲)؛انقلاب اسلامی از دیدگاه محققان شوروی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

لمتون،ا.ک.س(۱۳٤٥)؛مالک و زارع در ایران،ترجمه منوچهر امیری،تهران:بنگاه ترجمه و نشر

متین دفتری،احمد(۱۳۷۰)؛خاطرات یک نخست وزیر،به کوشش باقر عاقلی،تهران:علمی

محمدی، منوچهر(۱۳۸۷)؛انقلاب اسلامی زمینه ها و پیامدها،تهران:معارف

محمود بختیاری، علیقلی(۱۳٦۸)؛زمینه فرهنگ و تمدن ایران،ج۱، انتشارات پاژنگ

مدرسی و دیگران(۱۳٦٦)؛مدرس،تهران:بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی

مستوفی،عبدالله(۱۳٤۳)؛شرح زندگی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه،تهران:زوار

مشکور، محمد جواد(۱۳٤۷)؛ تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان، دانش سرای عالی

مطهری، مرتضی مجموعه آثار،تهران:صدرا

نجفی،موسی و حقانی،موسی(۱۳۹۱)؛تاریخ تحولات سیاسی ایران،تهران:موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

نصری، محسن(۱۳۷۸)؛ ایران، دیروز، امروز، فردا، تهران: معارف

نفیسی،سعید(۱۳٤٥)؛تاریخ معاصر ایران،تهران:فروغی

نفیسی، میرزا علی اکبر خان، فرهنگ نفیسی

هافر،اریک(۱۳۷۲)، پیروراستین، ترجمه فیروزه خلعتبری، تهران: نشر شباویز

هاکس،مریت(۱۳٦۸)؛ایران،افسانه یا واقعیت خاطرات سفر به ایران،ترجمه محمدحسین نظری‌نژاد و محمدتقی اکبری ،مشهد: آستان قدس رضوی

هانتینگتون، ساموئل(۱۳۷۳)؛موج سوم دموکراسی، ترجمه احمد شهسا، تهران: انتشارات روزنه.

Ewis A.Coser and Bernard Rosenbery, 1957 ”Sociological Theory”.

F.R.vivel, 1978”cultural Anthropology”

Greene, Thomas H, 1990 “Com parative Revolutionary Movements”.

Marx, Karl and Fredrick Engels, 1976. “The German Ideology”.

Paul B.Horton and chester Hunt, 1986 ”sociology”

Richard.T. Schaefer , 1983”sociology”

Robert Birstedt, 1970”The Social order”

Skocpol, Theda.1982a. “What Makes Peasants Revolutionary,” Com parative Politics, Vol.14,No.3.